

بررسی ویژگی های شخصیتی و روان شناختی زنان و دختران فراری شهر کرمانشاه در سال 1389

صفورا سالمی^{1*}، عادلّه زهتاب نجفی²، بهاره سلطانی¹

(1) گروه معاونت امور اجتماعی بهزیستی استان کرمانشاه

(2) گروه روان شناسی ورزش دانشگاه امام رضا

تاریخ پذیرش: 91/9/15

تاریخ دریافت: 90/6/19

چکیده

مقدمه: با توجه به شیوع فزاینده فرار نوجوانان به خصوص دختران و عواقب ناگوار فردی و اجتماعی آن، این پژوهش با هدف بررسی ویژگی های شخصیتی و روان شناختی زنان و دختران فراری شهرستان کرمانشاه در سال 1389 انجام گرفت.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر، مطالعه ای کمی است که در شهر کرمانشاه بر روی 98 دختر و زن فراری مراجعه کننده به مرکز اورژانس اجتماعی بهزیستی و به صورت هدفمند انتخاب شدند، صورت گرفت. برای جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه SCL-90 استفاده گردید. داده های به دست آمده از این ابزار توسط آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، روش آماری مورد استفاده در این پژوهش، میانگین و خی دو بود.

یافته های پژوهش: یافته های پژوهش نشانگر، رابطه معنادار بین فرار و افسردگی (71/42)، پرخاشگری (67/33)، مشکل حمایت در روابط متقابل (60/19)، اضطراب بیمارگونه (57/13)، اختلال پارانویدی (38/76)، اختلال سایکوتیک (اختلال روان پریشی) (38/76)، اختلال هیپوکندریازیس (37/74)، اختلال وسواس جبری (32/46) و فوبیا (31/62) در نمونه های مورد پژوهش بود. ($P < 0.05$)

بحث و نتیجه گیری: با توجه به روند رو به افزایش فرار دختران از منزل و مسایل و عواقب حاصل از فرار دختران، توجه به مساله پیشگیری و شناسایی عوامل زمینه ساز و اجرای مداخلات گوناگون جهت اصلاح آن ها امری ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی: ویژگی های فردی، ویژگی های روان شناختی، فرار

* نویسنده مسئول: گروه معاونت امور اجتماعی بهزیستی استان کرمانشاه

مقدمه

پدیده فرار از منزل به عنوان یکی از معضلات اجتماعی که اثرات سوئی در سطح زندگی اجتماعی از خود بر جای می‌گذارد، در سال‌های اخیر توجه اغلب محققان علوم اجتماعی و روان‌شناسی را به خود جلب نموده است. این پدیده اگر چه در نگاه اول یک اقدام فردی است اما نتایج و پیامدهای مرتبط با آن منجر به یک پدیده اجتماعی می‌شود، (۱،۲). شارلین و مور-باراک (1992) و دیمان (2000) فرار را به معنی دور شدن از منزل به مدت 24 ساعت یا بیشتر می‌دانند که بدون اطلاع والدین یا بر خلاف میل آن‌ها صورت می‌گیرد، (۳،۴). پدیده فرار از منزل به ویژه در دختران و زنان از پدیده‌های مهم و مورد بررسی توسط روان‌شناسان، روان‌پزشکان، جامعه‌شناسان و مربیان تربیتی است که عوامل و متغیرهای زیادی در ارتباط با آن شناخته شده‌اند. در خصوص عوامل بروز فرار می‌توان به دو دسته عوامل بیرونی یا اجتماعی و عوامل درونی یا روانی اشاره کرد، به عنوان مثال خانواده یکی از عوامل اجتماعی (بیرونی) و شخصیت فرد به عنوان یکی از عوامل درونی مطرح، می‌باشد، (5). زنان و دختران ممکن است به خاطر طیف گسترده‌ای از دلایل مانند جستجوی استقلال و خودمختاری، واکنش خشم آلود نسبت به محیط و افراد و تلاش برای راحتی، آینده‌سازی، خلاصی از نزاع و کشمکش با والدین، سطح فرهنگ خانواده، شیوه‌های تربیتی والدین، طلاق، مرگ و فقر، طرد شدگی، ناسازگاری با ارزش‌ها، نجات از صدمات روانی جسمانی و جنسی، اعتیاد، روابط بی‌مهابای جنسی و سایر رفتارهای مخاطره‌آمیز خانه‌های خود را ترک می‌کنند. (۶،۷)

ماهیت فرار را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرد. از دیدگاه روانکاوی فرار نوعی مکانیسم دفاعی و یا واکنش جبرانی تسلی بخش است که فرد برای نجات و رهایی از رنج‌ها به آن تن می‌دهد. کارن هورنای، فرار از منزل را به عنوان ساز و کاری دفاعی با واکنشی جبرانی مطرح می‌کند و آن را نوعی تضاد درون فردی می‌داند که از یک سو فرد می‌خواهد مستقل باشد و از سوی دیگر خواستار همبستگی است

او این تضاد را در سایه فرار تحقق یافته می‌داند، (8). فرار را از دیدگاه اریکسون می‌توان مجالی برای اثبات وجود و کسب هویت دانست که در مرحله نوجوانی که مرحله کسب و انسجام هویت در برابر هویت مغشوش است، روی می‌دهد، (9). هاروکس معتقد است سخت‌گیری‌های بی‌جا و غیرمنطقی بزرگسالان زمینه‌ساز انحرافات اجتماعی می‌باشد، (10). از نظر جامعه‌شناسی چون ساترلند فرار یک رفتار بزهکارانه تلقی می‌شود که وی معتقد است رفتار بزهکارانه، موروثی و ذاتی افراد نیست بلکه ناشی از تعاریفی است که قوانین اجتماعی برای ما وضع کرده‌اند و بسته به این که آن قانون خوب یا بد باشد و با توجه به این که آن گروهی که فرد با آن‌ها ارتباط دارد، هنجارشکنی را ارزش یا ضد ارزش بدانند، افراد ممکن است بزهکار یا درستکار تلقی شوند. ساترلند معتقد است بزهکاری یا درستی هر فرد ناشی از نظام اجتماعی بوده و ساخت روابط اجتماعی هم عامل رفتار بزهکارانه و هم رفتار جامعه‌پسندانه است. از نظر سالیوان تعارضات شدید خانوادگی بد رفتاری یا یک نظام خشک و خشن در منزل منجر به فرار کودکان می‌شود. (11)

در سال‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری از جمله، مک‌وی و همکاران، (2011)، (12)، روزنتال و همکاران (2006)، (13)، بروسان و همکاران (2011)، (14)، ملیندا و همکاران (2010)، (15)، ریبری (2008)، (16)، کالینن (2011)، (17)، لویس (1991)، (18)، شرمین و همکاران (2005)، (19)، هاندت و همکاران (2007)، (20)، رابطه بین ویژگی‌های روان‌شناختی (نظیر افسردگی، اضطراب، افکار پارانوئید، پرخاشگری و سایکوتیک) و فرار از منزل را تایید نموده‌اند. هم‌چنین در پژوهشی، ریلی (1978) در بوستون بر روی 50 دختر فراری که همگی توسط پلیس دستگیر شده بودند، نشان داد که آشفتگی‌های خانوادگی و مسایل فرهنگی از عوامل موثر فرار این دختران بوده است، (21). چانگ و همکاران (2004) دریافتند زنان و دختران فراری که در روان‌رنجور خوی نمره بالایی کسب کرده‌اند، بیشتر مستعد فرار از منزل هستند، (22). در بررسی لسی و همکاران (2002) مشخص گردید که روان‌پریشی مهم‌ترین پیش‌بین در بروز رفتارهای جامعه‌ستیز

فراری شهرستان کرمانشاه در سال 1389 انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه دختران و زنان فراری شهر کرمانشاه می باشند. نمونه ها در این مطالعه به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند، بدین صورت که 98 دختر و زن که طول سال 1389 (از فروردین 89 تا پایان اسفند 89) به علت فرار از منزل در اورژانس اجتماعی بهزیستی شهر کرمانشاه پذیرش گردیده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش پرسش نامه ای دو قسمتی بود، قسمت اول شامل مشخصات دموگرافیک، خانوادگی و سوابق تحصیلی افراد مورد پژوهش و قسمت دوم سوالات مربوط به آزمون استاندارد شده، SCL90 بود. این پرسش نامه مشتمل بر 90 سوال برای ارزیابی علائم روان شناختی می باشد. پاسخ های ارائه شده هر سوال در یک مقیاس 5 درجه ای از «هیچ» تا «به شدت» مشخص می شود. این پرسش نامه 9 بند مختلف شامل شکایات جسمانی، وسواس، حساسیت در روابط متقابل، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، ترس مرضی، افکار پارانوییدی و روان پریشی را مورد ارزیابی قرار می دهد. نمره گذاری و تعبیر پرسش نامه بر اساس سه شاخص ضریب کلی علائم مرضی، معیار ضریب ناراحتی و جمع علایم مرضی به دست می آید. فرم اولیه این پرسش نامه توسط دراگویتس و همکاران در سال 1973 (به نقل از دراگویتس، ریلکز و راک، 1976) ارایه شد و در سال 1359 در ایران هنجاریابی گردید. در پژوهش باقر یزدی، بوالهروی و شاه محمدی (1373) حساسیت، ویژگی و کارایی آزمون را طی یک سرند تشخیصی در مطالعات همه گیر شناسی اختلالات روانی تایید کرده اند.

اطلاعات پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه 16 مورد ارزیابی قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

یافته های پژوهش

همان طور که در جدول شماره 1 مشاهده می شود بیشترین درصد فرار در گروه سنی 16-20 سال (34/69 درصد) صورت گرفته و کمترین درصد فرار

می باشد، (23). هم چنین در اغلب پژوهش ها مشخص گردیده اغلب دختران فراری معمولاً قبل از فرار اقدام به ترک تحصیل نموده و 28 درصد آن ها سابقه مردودی دارند آن ها در بیان علل فرار و ترک تحصیل، اکثراً به اختلاف و کتک کاری با اعضای خانواده، مشکل با ناپدری و نامادری و ازدواج اجباری، احساس خردشدگی، کتک خوردن از پدر و برادر بزرگتر، احساس بی ارزشی، شنیدن فحش و ناسزا اشاره کرده اند. (24)

پدیده فرار از منزل، در نظم جامعه اختلال و آشفتگی ایجاد می کند و منشا بسیاری از رفتارهای بزهکارانه نظیر وابستگی به مواد مخدر و داروهای روانگردان، انحرافات جنسی و اخلاقی، شیوع بیماری های مقاربتی و عفونی، رفتارهای خودکشی و دیگرکشی، سرقت و غیره می گردد فرار دختران از منزل نه تنها آن ها را در معرض آسیب های جدی روانی و جسمی قرار می دهد، بلکه در صورت عدم انجام اقدامات موثر برای حل آن، بخشی از نیروی کار و مادران فردای جامعه از دست خواهند رفت. هم چنین روند رو به افزایش دخترانی که از منزل فرار می کنند و خطرات متعددی که این افراد را تهدید می کنند، پدیده فرار از منزل را به صورت یک معضل روانی اجتماعی در آورده است که نیازمند مطالعه و بررسی عمیق می باشد. (25)

حال با توجه به این که ترقی و تنزل هر جامعه تا حدود زیادی در گرو تربیت نسل جوان آن جامعه است، لذا پژوهش حاضر در پی آن است تا علل یکی از معضلات بسیار رایج و رو به افزایش فرار از منزل به عنوان یک عامل مهم در گسترش آسیب اجتماعی، ارکان جامعه را تهدید می کند، شناسایی نماید تا بدین وسیله بتوان با برنامه ریزی های در جهت کاهش این معضل گام برداشت.

در این راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی های شخصیتی و روان شناختی دختران و زنان فراری شهر کرمانشاه در سال 1389 طراحی گردید.

مواد و روش ها

مطالعه حاضر یک مطالعه کمی است که با هدف بررسی ویژگی های روان شناختی زنان و دختران

دبیرستان (15/3) و داشتن تحصیلات دانشگاهی، کمترین میزان فرار (10/94) را منجر شده است. نتایج آزمون خی 2 نشان داد تفاوت فراوانی گروه‌های تحصیلی معنادار است. $[x^2(4)=28.12, P<0.01]$ همان‌گونه که یافته‌های جدول شماره 3 نشان می‌دهد آزمون آماری خی دو بین فرار افراد و ویژگی‌های شخصیتی و عاطفی (فوبیا، سایکوتیک، خود بیمار پنداری، اختلال وسواس جبری، مشکل حمایت در روابط متقابل، افسردگی، اضطراب بیمارگونه، پرخشگری و اختلال پارانویدی رابطه معناداری را نشان داد. ($P<0.5$)

در گروه سنی 30 سال به بالا وجود دارد. ضمن آن که فرار در گروه سنی 25-21 سال (21/42 درصد) از نظر فراوانی در مقام دوم، 26-30 سال (18/36 درصد) در مقام سوم و 30 سال به بالا (11/25 درصد) در مقام چهارم قرار دارد. نتایج آزمون خی دو، معناداری تفاوت فراوانی فرار در سنین مختلف را تایید نمود. $[x^2(3)=17.78, P<0.01]$ به عبارت دیگر فرار با گروه سنی فرد ارتباط دارد. همان‌طور که در جدول شماره 2 مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی به ترتیب در زیر گروه ابتدایی (33/67)، راهنمایی (25/51)، بی سواد (23/46)،

جدول شماره 1. فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار گروه‌های سنی در دختران و زنان فراری

گروه سنی	10-15	16-20	21-25	26-30	30 به بالا
فراوانی مشاهده شده	14	34	21	18	11
فراوانی مورد انتظار	19/6	19/6	19/6	19/6	19/6
اختلاف	-5/6	14/4	1/4	-1/6	-8/6
فراوانی درصدی	14/28	34/69	21/42	18/36	11/25

جدول شماره 2. فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان	دانشگاهی
فراوانی مشاهده شده	23	33	25	15	2
فراوانی مورد انتظار	19/6	19/6	19/6	19/6	19/6
اختلاف	3/4	13/4	5/4	-4/6	-17/6
فراوانی درصدی	23/46	33/67	25/51	15/30	2/04

جدول شماره 3. بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی دختران در مقیاس نه گانه SCL90

نوع اختلال	فوبیک	سایکوتیک	خود بیمار پنداری	وسواس جبری	افسردگی	اضطراب بیمارگونه	پرخشگری	پارانویا	مشکل حمایت در روابط متقابل
خی 2	30/89	12/85	8/53	16/04	21/02	6/97	23/63	12/85	8/85
درجه آزادی	3	3	3	3	3	3	3	3	3

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاکی از رابطه معنادار بین سن، تحصیلات، و میزان فرار دختران و زنان فراری می‌باشد که در ذیل به بررسی و تبیین ای یافته‌ها پرداخته می‌شود. نتایج به دست آمده از تحقیق حاکی از آن است که اکثر دختران فراری در سنین 16-20 سال قرار داشتند، که با یافته پژوهش لو و همکاران (2008) که در مطالعات خود نشان دادند گروه‌های سنی متفاوت با طیفی از 12 تا 19 سال را به عنوان دارندگان بالاترین میزان فرار از منزل مشخص کرده اند هم خوان

با توجه به اطلاعات به دست آمده در این پژوهش، ساخت و کارکرد خانواده دختران فراری به طور معناداری از ساخت و کارکرد بهنجار در جامعه، پایین تر است. محیط خانواده نخستین محیطی است که زمینه اجتماعی شدن فرد را فراهم می‌کند و مهم‌ترین عامل تربیتی کودک نیز محسوب می‌گردد. محیط اطراف مشتمل بر محیط خانواده که فرد در آن رشد یافته و توانمندی‌هایش شکوفا شده و او را برای ورود به اجتماع آماده می‌نماید. یافته‌های توصیفی این

است، (26). هم چنین بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت سالانه بیش از یک میلیون نوجوان 13-19 ساله از منزل فرار می کنند، (۱،۲). این یافته را می توان این گونه توجیه نمود که اواخر دوره نوجوانی یکی از پرمخاطره ترین دوران ها در زندگی فرد است که با تغییرات فراوان جسمی و روانی توأم است و اگر در مسیر مناسبی هدایت نشود زمینه ساز مشکلات فردی و اجتماعی در دراز مدت می گردد.

با توجه به این که سطح تحصیلات اغلب نمونه های مورد پژوهش زیر دبیرستان (82/64 درصد) بوده، که این امر می تواند بیانگر رابطه معکوس و معنادار بین سطح تحصیلات و ارتکاب به عمل خلاف باشد. که این یافته با یافته پژوهش چانگ نشان داد تحصیلات پایین با گرایش به فرار از منزل ارتباط دارد، هم خوان است، (8). هم چنین سطح تحصیلات پایین در دختران فراری را می توان به ترک تحصیل عده ای از آن ها در مقاطع تحصیلی پایین نسبت داد. هم چنین مشخص گردیده است که دختران فراری معمولاً قبل از فرار اقدام به ترک تحصیل نموده اند. آن ها در بیان علل ترک تحصیل خود و فرار، اکثراً به اختلاف و کتک کاری با اعضای خانواده اشاره کرده اند و پس از آن مشکل با ناپدری، نامادری و ازدواج اجباری را عامل فرار خود دانسته اند و سپس به احساس خردشدگی، کتک خوردن از پدر و برادر بزرگتر، احساس بی ارزشی، شنیدن فحش و ناسزا اشاره کرده اند. (27)

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ویژگی های شخصیتی و روان شناختی زنان و دختران فراری بود که در همین راستا، یافته های جدول شماره 3 نشان می دهد، بین اختلالات اضطرابی و فرار از منزل رابطه معناداری وجود دارد. بالا بودن سطح اختلالات اضطرابی (فوبیا، وسواس جبری، اضطراب بیمار گونه) با پژوهش های لسلو و همکاران (2002) که مشخص کردند، سطح افسردگی، اضطراب و سرزنش خود در زنان و دختران فراری که در روان رنجور خوی نمره بالایی کسب کرده اند، هم خوان است، (23)، هم چنین با یافته پژوهش بروسان و همکاران (2011) که با بررسی 124 دختر فراری نشان دادند، نمرات سلامت روان دختران فراری به طور معناداری از دختران عادی

پایین تر بوده و سطح اضطراب فراگیر در این گروه بالاتر است، همسو می باشد، (14). در پژوهشی دیگر ملیندا و همکاران (2010) که 253 دختر دبیرستانی را مورد بررسی قرار دادند، مشخص گردید دخترانی که سطح استرس بالاتری را تجربه می کنند مستعد فرار از منزل می باشند، (15). نمره بالا در اضطراب دختران فراری را می توان این گونه تبیین نمود که اضطراب به طور کلی با انتظار وقوع یک پیشامد ناگوار مشخص می گردد و با توجه به این که اغلب دختران فراری با بحران های زیادی مانند مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عدم ثبات وضعیت و نگرانی در مورد اتفاقات پیش رو مواجه هستند، احتمال بروز اختلالات اضطرابی در این گروه بیشتر می باشد، هم چنین این مسئله با توجه به نظریه ساترلند و سالیوان نیز تبیین می گردد، که عنوان نمودند تعارضات شدید خانوادگی، بد رفتاری یا یک نظام خشک و خشن در منزل و عدم توانایی خانواده در یاد دادن ارزش ها به فرد منجر به فرار از منزل می شود که این موارد نیز منجر به افزایش سطح اضطراب در دختران فراری می گردد. در تبیین بالا بودن میزان اختلال خود بیمار پنداری در دختران و زنان می توان به این مسئله اشاره نمود که با توجه به شرایط نامساعد حاکم بر خانواده فرد و عدم توانایی ابراز هیجانات و سرکوبی یا بازداری خشم معطوف به دیگران، برگشت خشم به طرف خود به وفور دیده می شود، و این مسئله می تواند منجر به بروز علائم خود بیمار پنداری در این افراد گردد. (28)

در جدول شماره 3 نشان داده شده است که میزان افسردگی در دختران فراری بالا می باشد. شیوه ای که دختران فراری، برای مواجهه با مشکلات خود به کار می برند، بیشتر شیوه های ناکارآمد و هیجان مدار است و حساسیت هیجانی و اضطراب، از ویژگی بارز شخصیتی آن ها است به طور تقریبی نصف فرارها به دلیل افسردگی یا ناراحتی روانی صورت می گیرد، (12). از سوی دیگر این یافته با پژوهش هاندت و همکاران (2007) هم خوان می باشد، آن ها در پژوهش خود بر روی 74 دختر 15-28 ساله که در بخش اعصاب و روان به علت افسردگی بستری بودند، طی مصاحبه های بالینی و ارزیابی های روان شناسی، نشان

می توان این گونه بیان نمود، با توجه به این که عمده ترین شاخص سایکوتیک فقدان واقعیت سنجی همراه با هذیان و توهم است، فرد احتمالاً به آن چه که در دنیای شخصی او می گذرد واکنش نشان می دهد، نه به رویدادهای بیرونی، لذا از تعامل با دیگران اجتناب کرده و در افکار و خیال بافی های خود فرو می رود، و قادر به تحلیل دقیق رویدادهای زندگی شخصی اش نمی باشد که این موضوع خود می تواند منجر به فرار گردد، (30). آخرین یافته پژوهش حاضر این بود که بین فرار و افکار پارانوید رابطه معناداری وجود دارد. (جدول شماره 3) که با پژوهش لوپس (1991) هماهنگ است و در پژوهشی با اجرای پرسش نامه MMPI-2 بر روی بیماران سرپایی مراجعه کننده به بخش اورژانس بیمارستان روان پزشکی مشخص گردید که افرادی که در مقیاس پارانویا برافراشتگی بالایی را نشان دادند، تمایلات بیشتری به ترک منزل داشتند، (18). سالیوان (2010)، در تبیین این یافته عنوان نمود افراد پارانوید میل به انتساب انگیزه های بدخواهانه به دیگران دارند، شکاک هستند؛ غالباً خصومت آمیز، تحریک پذیر و یا خشمگین هستند که در سبب شناسی آن می توان به مشکلات خانوادگی غیراختصاصی، سابقه تحمل سوء رفتار در کودکی، استفاده از مکانیزم های دفاعی از قبیل فرافکنی و دلیل تراشی اشاره نمود. لذا با توجه به موارد مذکور احتمال افزایش بروز پارانویا در دختران فراری بالا می رود، (31). با عنایت به این امر که فرار از منزل سلامت و امنیت روانی، اجتماعی، حتی سیاسی و اقتصادی جامعه را تهدید می کند، لازم است تا تدابیر مناسبی جهت جلوگیری از انحرافات جامعه توسط دست اندرکاران اجرایی کشور صورت گیرد و این امر جز از طریق بررسی دقیق این معضل میسر نمی باشد.

References

1-Tyler KA, Cauce AM, Whitbeck L. Family risk factors and prevalence of dissociative symptoms among homeless and runaway youth. *J Child Ab Negl* 2004;28:355-66.
2-Tyler KA, Cauce AM. Perpetrators of early physical and sexual abuse among homeless and runaway adolescents. *J Child Ab Negl* 2002;26:1261-74.

دادند آن ها در گذشته تمایلات بیشتری به بروز رفتارهای پرخطر از قبیل خودکشی و فرار از منزل داشته اند، (20). هم چنین با پژوهش مک وی و همکاران (2011) که در یک زمینه یابی بر روی نوجوانان، رابطه بین افسردگی و فرار از منزل را معنادار نشان دادند، هم خوان است، (12). با توجه به نظریه درماندگی آموخته شده سلیگمن، افسردگی حاصل درماندگی شخص در کنترل حوادث است و با وجود تلاش های صورت گرفته توسط فرد جهت تغییر اوضاع زندگی و نتیجه بخش نبودن این تلاش ها افزایش احتمال بروز اختلال افسردگی قابل پیش بینی می گردد و از آن جا که زنان و دختران فراری نیز پس از مصاحبه های به عمل آمده مشخص گردید، که آن ها برای تغییر اوضاع زندگی کما بیش تلاش کرده اما به نتیجه ای نرسیده اند این مسئله می تواند منجر به بروز علائم افسردگی شود، (29). یافته دیگر این پژوهش این بود که میزان پرخاشگری در دختران فراری بالا می باشد، (جدول شماره 3)، که این مساله در پژوهش های ریبری (2008) نشان داده شد میزان شیوع خودکشی، دیگرکشی و خشونت در دختران و پسران فراری بیشتر است، (11). هم چنین در پژوهش کالین (2011) نیز مشخص گردید، با توجه به نظریه واکنش به رویدادهای آزاردهنده برکویتز، رویارویی با وقایع آزاردهنده منجر به گرایش فرد به پرخاشگری و فرار می شود، (17). از سوی دیگر اختلالات سایکوتیک در دختران فراری بالا بود. (جدول شماره 3) در بررسی هیون و ورجین (2001) مشخص گردید که روان پریشی مهم ترین پیش بین در بروز رفتارهای پرخطر می باشد، (25). در پژوهشی مشابه شرمین و همکاران (2005)، روزنتال و همکاران (2006)، نیز به همین یافته دست یافتند، (۹،۱۳). در تبیین این یافته

3-Sharlin SA, Morobarak N. Run way girls in distress, motivation background, and personality. *Adolescence with run away from home. J Child Ab Negl* 1992;14:387-98.
4-Deman AF. Predictors of adolescent running away behavior. *J Soc Behav Pers* 2000; 28:261-8.
5-Thompson SJ, Kost KA, Pollio DE. Examining risk factors associated with family

- reunification for runaway youth: does ethnicity matter? *J Fam Rel* 2003;52:296-308.
- 6-Sullivan PM, Knutson JF. The prevalence of disabilities and maltreatment among runaway children. *J Child Ab Negl* 2000;24:1275-88.
- 7-Rosenthal D, Mallett S, Myers P. Why do homeless young people leave home? *J Pub Health* 2006;30:281-185.
- 8-Spirito A, Esposito-Smythers C. Attempted and completed suicide in adolescence. *J Ann Rev Clin Psychol* 2009;2:237-66.
- 9-Sherman SS, Plitt S, Hassan S, Cheng Y, Zafar ST. Drug use, street survival, and risk behaviors among street children in Lahore, Pakistan. *J Health: Bull Am Acad Med* 2005;82:113-24.
- 10-Saliou V, Fichelle A, McLoughlin M, Thauvin I, Lejoyeux M. Psychiatric disorders among patients admitted to a French medical emergency service. *J Gen Hos Psychiat* 2005;24:263-8.
- 11-Ribeiro MO. Street children and their relationship with the police. *J Inter Nur Rev* 2008; 55:89-98.
- 12-McEvoy PM, Mahoney EJ. Achieving certainty about the structure of treatment-seeking sample with anxiety and depression in girl run away from home. *J Anx Disord* 2011;25:112-22.
- 13-Rozental K, Boos A, Dalbert C, Schöps D, Hoyer J. Posttraumatic symptoms, depression, and anxiety of girls victims. *J Gen Hos Psychiatry* 2006;40:1075-84.
- 14-Brosan L, Hoppitt L, ShelferL, Sillence A, Mackintosh B. Cognitive bias modification for attention and interpretation reduces trait and state anxiety in girls that Run away from home. *J Behav Exp Psychiat* 2011;42:258-64.
- 15-Melinda F. Cannon, Carl F. Weems Cognitive biases in girls with run away from home Do interpretive and judgment biases distinguish run away youth from their non-runaway? *J Anx Disord* 2010;24:751-8.
- 16-Ribberi L, Hoppitt L, Shelfer L, Sillence A. Aggressive: a survey of attitudes, opinions and behaviors. *J Saf Res* 2008;39:375-81.
- 17-Kalnin AJ, Edwards CR, Willia YW. The interacting role of violence exposure and aggressive-disruptive behavior in adolescent that run away from home. *J Psychiat Res: Neur* 2011;192:12-9.
- 18-Looise KL, Israel C. Perceived anxiety control as a mediator of the relationship between family stability and run away. *J Anx Disord* 2008;22:1454-61.
- 19-Sherman SS, Plitt S, Hassan S, Cheng Y, Zafar ST. Drug use, street survival, and risk behaviors among run away children in Lahore, Pakistan. *J Health: Bull Am Acad Med* 2005;82:113-24.
- 20-Hundt NE, Nelson-Gray RO, Kimbrel NA, Mitchell JT, Kwapil TR. Mental disorder and comorbidity among run away adolescent. *J Adolesc Health* 2007;43:1001-12.
- 21-Reilly PD. What make adolescent girls free from their homes ? *J Clin Ped Phila*. 1978;17:886-93.
- 22-Cheung, Nicole WT, Yuet W. Cheung S. Self-control, social factors, and delinquency: A test of the general theory of crime among adolescents in Hong Kong. *J Adolesc* 2007;37:412-30 .
- 23-Leslie MB, Stein JA. Rotheram- Borus, MJ. Sex-specific predictors of suicidality among runaway youth. *J Clin Child Adolesc Psychol* 2002;31:27-40.
- 24-Atkinson R. Family systems approaches for preventing adolescent runaway behavior. *J Adolesc Health* 2009;24:263-8.
- 25-Heaven G, virgin M. Personality perception of family and peer influences, and males self reported delinquency. *J Pers Ind Dif* 2001;20:47-54.
- 26-Lu T, Chen J, Liao G. Home street home: the interpersonal dimensions of adolescents, analysis of social issues and public. *J Gen Hos Psychiat* 2008;34:1018-27.
- 27-Maximino C, Brito Th, Batista A, Herculano A, Morato S, Gouveia A. Measuring anxiety in girle run away: A critical review. *J Behav Res*, 2010;214:157-71.
- 28-Magaya L, Schreiber JB. Stress and coping strategies among Zimbabwean adolescents. *J Br Edu Psychol* 2005;75:661-71.
- 29-Andres-Lemay VJ, Jamieson E, Mac Millan HL. Child abuse, psychiatric disorder and running away in a community sample of women. *J Can Psychiat* 2005;50:684-9.
- 30-DeGangi GA. Perceived anxiety control as a mediator of the relationship between family stability and adjustment. *J Anx Disord* 2012;23:113-44.

31-Sullivan PM. The prevalence of disabilities and maltreatment among runaway ch-

ildren. J Child Ab Negl 2010;19:433-47.

A Survey of Personal and Psychological Features of Runaway Girls and Women in Kermanshah Township During 2011

Salemi S^{*1}, Zehtabnajafi A², Soltani B¹

(Received: 10 Sep. 2011

Accepted: 15 Dec. 2012)

Abstract

Introduction: Given the ever-increasing growth of escaping of adolescents particularly girls from home and the individual and social unfavorable consequences of the event, this study was conducted to survey the personal and psychological features of the escaping of girls and women in Kermanshah Township during 2011.

Materials & Methods: The present research was a quantitative study that was performed on 98 runaway girls and women in Kermanshah attending the Social Emergency Centre of information. The SCL-90 questionnaires were purposefully used to be completed by the subjects. The data drawn from this approach were analyzed by using of the descriptive and inferential statistical methods. The statistical tests used in this study were «mean» and χ^2 .

Findings: The findings of this study indicated a significant relationship between escaping and depression (71.42), aggressiveness (67.33), protection problems in mutual relationships (60.19), morbid anxiety (57.13), paranoid disorder (38.76), psychotic disorders (38.76), hypochondriasis disorder (37.74), obsessive-compulsive disorder (32.46), and phobias (31.62) among the subjects under study ($P < 0.05$).

Discussion & Conclusion: Considering the increasing trend of girls' escaping from home and its unfavorable consequences, paying attention to the preventative measures, identification of predisposing factors and various interventional rectifying actions may be necessary.

Keywords: individual features, psychological features, escape

1. Deputy of Social Affairs Group of Welfare Dept of Kermanshah Province

2. Sport Psychology Group Imam Reza University

* (corresponding author)